

درختان این باغ همه تشنه اند !!!

در باره نوروز، سرود جاویدان آفرینش !



پیوسته به گذشته فصل دوم قسمت هژدهم بخش اول (ا)

الهی ! ما درخت های این باغ پژمرده و پامال تحجروزمستان ، همگی تشنه ایم ، تشنه ء باران ، به جوی های خشکی که از پای ما میگذارند مَنگر ، این جوی های بزرگ آب ندارند ، آب دارند اما به ریشه ء ما نه میرسند ، به ریشهء ما میرسند اما آب های شور و تلخ و آغشته بخون اند ، ما همه درختان این باغ ، در کنار این جوی های پراز آب همچنان تشنه ایم ، آری تشنه ء بارانیم ! اگر در این نوروز که سرود جاویدان آفرینش است ریشه های خشک و تشنه ما را سیراب نکنی تا دیر خشک خواهیم ماند . آری ! تا دیرو

<https://www.youtube.com/watch?v=hOwOFGj87Co>

هرچند سخن تازه و نو در باره نوروز این سرود جاویدان آفرینش دشوار است بویژه در روزگاری که جنازه تمدن و فرهنگ باستانی ما را صد ها سال است که برشانه های حجر و خشونت به بیرون میبرند و پا های پوسیده تمدن و فرهنگ باستانی ما را برصفحات خونینی از تاریخ می آویزانند. و می بینیم که غولان وکانگسترهای شبه مذهبی چگونه برسرراه نوروز این جشن آفرینش نشستند و دهن ها را با فتوای های مسخ شده مذهبی باز کرده اند و خون خلق الله را که نامی از نوروز بر زبان می آرند می مکند

<https://www.youtube.com/watch?v=EOKgLGutJdU>

هرچند نوروز با قامت استوار همه ساله برپا میشود و هر سال از آن سخن میرود ، بسیار گفته اند و بسیار شنیده اید پس به تکرار آن نیازی نبوده و نیست اما این بار اهریمن خونخوار که با حربه فقه تاریخی مذهبی آنهم با استناد بر روایات و احادیث سراپا جعلی و کاذب اما گاهی به زبان شبه منطقی و بکارگیری ادبیات مدرن و فیلسوف مآبانه در معرکه حضور می یابد .

<https://www.youtube.com/watch?v=ATLm4GCOqVQ&t=2s>

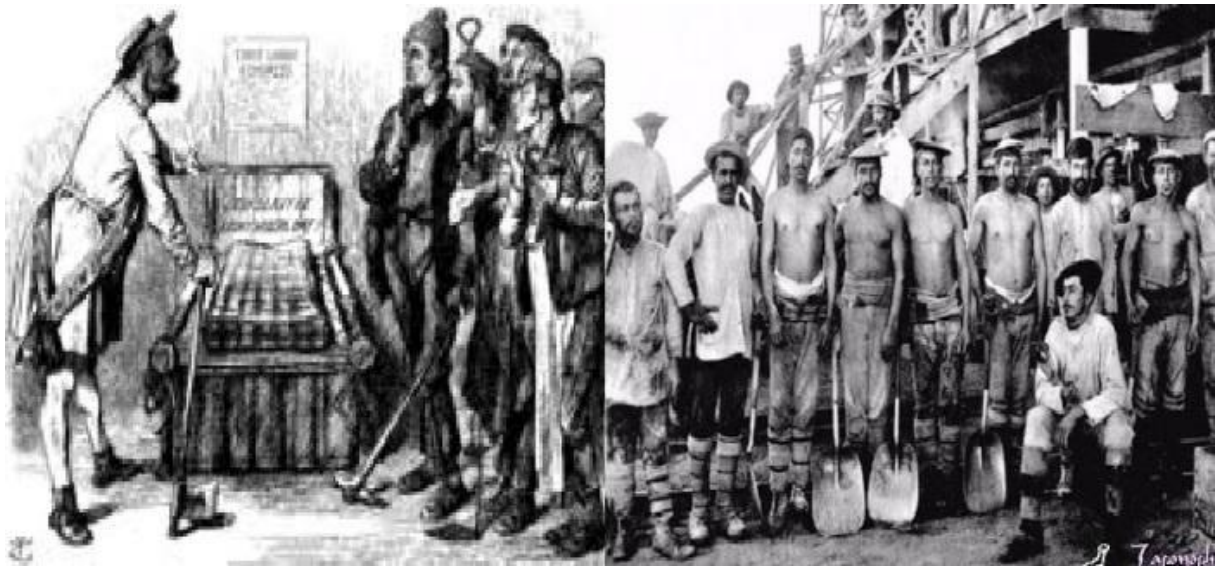
میگویند روزی یک مرید پهلوان صفتی از مریدان یک مرشد که حیات داشت در بیان کرامات مرشدش به صورت غلو آمیزی سخن میگفت و میگفت که مرشد من چنان کراماتی دارد که برای ادای نماز شب به آسمانها پرواز میکند و نماز شب را بصورت جماعت در صف انبیای کرام می خواند !!، وقتی مردم محله از کسی که وی مرشدش میخواند و هنوز حیات داشت پرسیدند که فلان مرید شما در باره کرامات ... شما چنین ابراز نظر میکند شما در این باره چه می گوئید ؟



آن مرشد که به دو پهلویش نظرمی انداخت گفت: مرید من دروغ می گویند من یک انسان گناهکاری هستم که تصور چنین حالت را نیز نه میتوانم بکنم! خلاصه اینکه وقتی مقتدی ها دو باره نزد کسی که خود را مرید سینه چاک مرشد میدانست جواب مرشد را مطرح کردند، مرید بر بروتهایش دست کشید و در جواب گفتند که مرشد من در این روزها عقل اش را از دست داده است و قتی من میگویم که مرشد من به آسمانها سفر میکند پس سفر میکند و من با قاطعیت میگویم که وی به آسمانها میرود! پس ثابت شد که میرود ...



داستان طرح مسأله تجلیل از نوروز را نیز روی همین شیوه نخست خلاف دین مقدس اسلام میخوانند و سپس با استفاده از جهالت و عوام زده گی توده های از مردم حرمت آن را بصورت مستند به اثبات میرسانند! هرچند هواداران و حامیان این قرنٹ خشونت گرای مذهبی یک گروه و اسم خاصی نیست بلکه یک پدیده عام در عرصه ء توجیه نظریه و روش اسلام " سیا " سی " نه سیاسی مدنی " است که هرچند در افغانستان امروزی به علت شرائط ویژه ء اقتصادی - اجتماعی و از همه مهم سیاسی نمودی بارز و متعین یافته است اما ریشه های این ویروس مهلك میتواند در جایی دیگری که زمینهء مساعد و محیط مناسب پیدا کند پدیدار شود و ریشه های خود را در خاک آن بگستراند . هرچند در گذشته نیز در رابطه به این گفتمان و چنین قرنٹ بنیاد گرایانه و شریعتمدار از اسلام بویژه در حوزه دین و جامعه آنرا به مدل پروکروستی تشبیه نموده ام اما اکنون نیز به این تشابه مختصراً اشاره میکنم . میگویند در یونان قدیم سردسته ای از رهنان بنام پروکروست وقتی کوه ها و گردنه ها راه را بروی کاروانیان می بست و اموال آنانرا به غارت می برد تنها به غارت اموال اکتفاً نه میکرد بلکه یک تخت آهنی داشت و دستور میداد تا هر یکی از کاروانیان غارت شده را بروی تخت بخوابانند ،



هر کسی که قد و اندازه اش از طول تخت آهنی کوتاهتر بود به فرمان پروکرست ، آنقدر او را از طرف پا و سر میکشیدند تا به اندازه تخت برابر شوند و اگر قد بلند تری داشتند فرمان میداد تا از ناحیه پاها ، مقدار کافی را آره کنند تا بصورت کامل در تخت آهنی جای گیرد . در قرئت بنیادگرای شریعتمدار غیر اجتهادی و غیر عقلانی نیز اسلام تختی آهنینی است که باید انسان و جامعه را در درون آن قرار داد و کم وزیادی های آنرا با برش یا کنش تماماً قالب بندی کرد . ریشه اصلی تناقض معرفت شناختی این گفتمان با انسان و جامعه معاصر در همین جا ست اما هستند کسانی که هر چند فارغ التحصیل مدارس و پوهنتونهای اند که چنین با قرئت شریعتمدار غیر اجتهادی شاگردان فروانی را پرورش می دهند اما با تغییری که در هستی و کائنات مینگرند با بخشی از این گفتمان سنگواره ای وداع میگویند

<https://www.youtube.com/watch?v=xMdyTU5pBF4>

هر چند نه میتوان بصورت مطلق باور کرد که براستی هم برخی از تحصیل یافته گان حوزه دینی که در مقابل گفتمان متحجرانه و سنگواره ای غیر عقلانی و غیر اجتهادی ای که تجلیل از نوروز را حرام میدانند به این نتیجه رسیده اند یا خیر که دامن اسلام راستین با قرئت عقلانی و اجتهادی از بین گونه لاطائلات و خرافات پاک است و اسلام دین احیای ارزش ها متعالی اخلاقی است که بر مبنای اصل برابری و کرامت انسانی استوار است ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=C84g64cLqnU>

اما این بدان معنا نیست که گویا پیروان راه راستین توحید و عدالت باید با مخالفان باور ها و اعتقادات شان از شیوه های انتقام جویانه بهره گیرند بلکه باید آنها را نیز در مسیر تکاملی جامعه به عنوان یک گروه قابل ملاحظه ای با داشتن اعتقادات خاصی که دارند برسमित شناخت و با بلند بردن سطح آگاهی توده های از مردم بویژه نسل جوان و پرخاشگر زمینه شکست علمی و منطقی آنها را فراهم ساخت



۱: این مبحث با توجه به اهمیت موضوع نوروز در دو تقدیم خواهد شد